شماره فاکس: Fax: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره پیام‌گیر: 9322136 ö 221 ö 0049

تک فروشی: ۲/۲۰ یورو
بهای اشتراک: شش ماهه ۳۰ یورو؛ یک ساله ۶۰ یورو

Verleger: I.G.e.v

نام: I.G.e.v
شماره حساب: 22 44 20 32
کد بانک: 37 05 01 98
نام بانک: Stadtsparkasse Koeln

آدرس: I.G.e.v
Postfach 260268
50515 Koeln
Germany

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۸۲ - ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۳ دوره سوم - شماره ۳۱۰
KAR - No. 310 Wednesday 17. Sep. 2003
G 21170 D

آدرس کار در اینترنت: http://www.fadai.org
آدرس پست الکترونیکی: kar-aksaryat@gmx.de

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

Name:..... نام:

Address:..... نشانی:

.....

.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) به آدرس کار پست کنید!

آفریقای «سیاه»

گاو اروپایی ثروتمندتر از انسان آفریقایی است!

محمود صالحی

دامداران اروپایی برای هر گاو سالانه ۸۰۰ یورو سوبسید دریافت می‌کنند. میزان سالانه کمک اتحادیه اروپا برای هر آفریقایی ۷ یورو است.

* * *

مقدمه:

براساس آمارهای رسمی در عملیات جنایتکارانه تروریست‌های اسلامیست در روز ۱۱ سپتامبر ۲۸۲۳ نفر جان باختند و از آن روز به بعد چهره جهان تغییر یافت. دو جنگ خونبار، شکاف میان ناتو، شکاف و اختلاف نظر میان اروپا و آمریکا و چندین بحران دیگر که طی ۵۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. اما ۱۱ سپتامبر هر روز در آفریقا اتفاق می‌افتد و سازمان ملل، ایالات متحده و اتحادیه اروپا چشم‌هایشان را بر روی آن بسته‌اند.

قاره آفریقا به لحاظ منابع طبیعی بسیار ثروتمند است اما آیا فقر، بیماری و جنگ سرنوشت محتوم مردم این قاره است؟

دلائل عقب‌ماندگی آفریقا

● بدون شک دلائل جغرافیایی یکی از مهمترین عوامل عقب‌ماندگی آفریقا است. گرمی هوا، وجود صحاری بزرگ، سالهای متمادی خشکسالی و یا باران‌های موسمی و سیل‌آسا زمینه طبیعی بسیار سختی برای پیشرفت و توسعه هستند. از سوی دیگر جغرافیای دو قاره اروپا و آسیا به لحاظ تاریخی امکان تبادل نژادی، فرهنگی، هنری و علمی را فراهم ساخت، اما قاره آفریقا درواقع جزیره بزرگی است که هیچ‌گونه ارتباطی با جهان اطراف خود ندارد.

● تنوع اقوام و قبائل در آفریقا بی‌نظیر است. هر یک از این قبائل زبان و لهجه گویش خاص خود را دارد. وسعت جغرافیایی قاره‌که در حدود یک پنجم تمامی خشکی‌های کره زمین را تشکیل می‌دهد، امکان زندگی ایزوله در محدوده‌های مکانی را فراهم ساخته و این امر از یک سو زمینه مناسبی برای تکوین و تکامل فرهنگی از طریق مراوده و مبادله نیست و از سوی دیگر به لحاظ تاریخی یکی از دلائل عدم تشکیل قلمرو سیاسی و بوجود آمدن دولت‌های مرکزی و مقتدر است.

● در این ایزولاسیون قبائل و اقوام، اروپائیان پا به قاره آفریقا گذاشتند و بین سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۸۷۰ بیش از ۲۵ میلیون نفر آفریقایی را به برده‌گی گرفتند.

استعمارگران اروپایی، آفریقا را بدون درنظرگرفتن قلمرو زندگی قبائل بین خود تقسیم کردند و مرزهای مصنوعی کشیدندکه این امر پایه و اساس اختلافات و بحران‌های امروزین این قاره است.

آفریقا «دیروز»

بین سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۵، ۳۲ کشور آفریقایی از چنگال استعمارگران رهایی و استقلال یافتند. در شوق و شور رهایی این دوران به «دهه آفریقا» و یا «قاره آینده» معروف شد و انتظار می‌رفت که کمک‌های اقتصادی به امر توسعه یاری رساند.

بزودی معلوم شد که مدل سیاسی غربی در آفریقا کارآیی ندارد. علیرغم همه مخالفت‌های اپوزیسیون در تمام کشورهای استقلال یافته سیستم تک حزبی حاکم شد. رهبران کشورهای استقلال یافته اعضای خانواده و قبیله‌اشان را بر پست‌های کلیدی گماشتند و آنان تنها کسانی بودند که از استقلال نویافته سود بردند.

مردم نیز که در آرزوی کار، خانه، بیمارستان و بهداشت، راه و مدرسه و رفاه و پیشرفت بودند، برآورده نشد و مایوس و فقیرتر از گذشته به استقبال کودتاچیان به خیابان‌ها ریختند.

تنها در دهه ۶۰ در بیش از ۱۴ کشور آفریقایی از طریق کودتا حکومت‌ها تغییر یافتند. و تا آغاز قرن جدید این قاره شاهد ۷۰ کودتا بوده است. گروهبانان کودتاچی مانند عیدی امین و بوکاسا که در ارتش‌های استعمارگران انگلیسی و فرانسوی آموزش دیده بودند، نیز بسر خلاف همه قول و قرارهایشان مبنی بر این که پزودی به پادگان‌ها باز خواهند گشت، جنایت‌کارانه بر مسند قدرت تکیه زدند و آنان نیز به نوبه خود اعضای خانواده و قبیله‌شان را بر سرکار گماردند و بازی از نو ادامه پیدا یافت.

یک ضرب‌المثل آفریقایی می‌گوید: «در جنگ فیل‌ها، چمنزار است که لگد مال می‌شود». در دهه هفتاد پای جنگ سرد بین اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا نیز به آفریقا کشیده شد. برای نمونه اتحاد شوروی با ارسال اسلحه و مستشار نظامی و دولت کوبا با اعزام ۵۰هزار سرباز به آنگولا به حمایت از دولت این کشور برخاستند. از سوی دیگر ایالات متحده با حمایت نظامی و مالی از شورشیان این کشور به رهبری ز اویمبی و اعزام واحدهای راسیست از آفریقای جنوبی کمر به سرنگونی رژیم این کشور بستند. در این جنگ ۵۰۰ هزار نفر کشته و ۴ میلیون نفر آواره شدند.

آفریقا «امروز»

در اواخر دهه ۸۰ و تحت تاثیر فروپاشی بلوک شرق، جنبش دمکراسی قدرتمندی نیز در آفریقا بوجود آمد و مردم این قاره موفق شدند برای نخستین‌بار از طریق انتخابات دیکتاتورها را سرنگون سازند.

اما محبوبیت سیاستمداران جدید نیز چندی بیش دوام نیاورد. مجموع بدهکاری خارجی کشورهای آفریقایی ۲۱۷ میلیارد دلار است که بهره سالانه آن ۱۴ میلیارد دلار می‌شود و در شرایطی که خزانه دولت‌های آفریقایی خالی است و از میزان کمک‌های خارجی نیز بشدت کاسته شده، آنان مجبور به اخراج دسته‌جمعی کارگران و کارمندان، کاهش میزان دستمزدها شده‌اند و دیگر توان ارائه خدمات دولتی را ندارند.

در چنین شرایطی آفریقا شاهد «failed states» دولت‌هایی که دیگر عملکرد ندارند و در حال فروپاشی هستند است. اکنون به جای دولت‌ها «جنگ‌سالاران» قدرت را بدست گرفته‌اند. سیستم جنگ‌سالاران اینگونه عمل می‌کند: باندهای مسلح که در میان آنان «سرباز بچگان» نیز وجود دارند کنترل نظامی مناطقی که در آن منابع سرشار طبیعی مانند طلا، سنگ‌های قیمتی و کولتان وجود دارند را بدست می‌گیرند. از نیروی کار افراد بومی برای استخراج ثروت‌های طبیعی در شرایط بسیار بدوی و دستمزدهای نازل استفاده می‌شود. سپس دلالان و قاچاق‌چیان بین‌المللی آن را در بازار جهانی بفروش می‌رسانند. نتیجه چنین وضعیتی این است که حداقل در ۱۱ کشور آفریقایی درگیری نظامی وجود دارد و در این درگیری‌ها طی دو دهه گذشته ۸ میلیون نفر کشته شده‌اند.

در سال ۲۰۰۱ از مجموع ۱۱۷ میلیون قیراط الماس استخراج شده در جهان ۶۴/۶ میلیون قیراط در آفریقا بوده است. از این میزان ۲۵/۲ میلیون در بوتسوانا، ۱۸/۲ میلیون در کنگو و ۱۱/۸ در آفریقای جنوبی بوده است. ۴۳ سال پس از استقلال کنگو در چنگ داخلی این کشور که بر بستر تقسیم معادن الماس روی داد، تقریباً ۴/۷ میلیون نفر کشته شده‌اند. در این جنگ ۸ کشور آفریقایی به پشتیبانی از دو قبیله متخاصم «هیما» و «لیندو» برخاستند و هزینه این جنگ نیز از طریق فروش میلیونها قیراط الماس که به «الماس‌های خونین» معروف شده‌اند، تامین شد.

امروز بیماری ایدز یکی از مهمترین معضلات آفریقا است. در بسیاری موارد آمار و ارقام ابستراکت هستند. اما ارقام ایدز در آفریقا تکان‌دهنده هستند. از ۴۲ میلیون نفر مبتلا به بیماری ایدز در سراسر جهان ۳۰ میلیون نفر آن در آفریقا زندگی می‌کنند. هر روز ۸۶۴ نفر در کنیا بر اثر ایدز جان می‌سپارند. میزان ابتلا در بوتسوانا ۳۸/۸٪ است. در سال جاری ۳۷۶هزار نفر در آفریقای جنوبی بر اثر ایدز جان می‌سپارند. تا سال ۲۰۱۰ در زیمباوه‌که ۱۲ میلیون نفر جمعیت دارد، بیش از یک میلیون نفر بر اثر ایدز خواهند مرد و در همین سال یک چهارم همه کودکان در ۱۲ کشور آفریقایی در اثر ابتلا به ایدز والدین خود را از دست خواهند داد و یتیم خواهند شد.

در آفریقا هم‌اکنون بیش از ۱۲ میلیون کودک بر اثر ایدز یتیم و به حال خود رها شده‌اند. ایدز منجر به فروپاشی ساختارهای خانواده شده و کودکان بازمانده و بی‌سرپرست بدون هویت و هرگونه وابستگی اجتماعی رشد می‌یابند. بسیاری از «سرباز بچه‌گان» از میان این کودکان هستندکه در حالت نشئه‌گی منجر از استعمال مواد مخدری که از ترکیب شاهدانه و سم مار تولید می‌شود، دست به هر جنایتی می‌زنند.

در فهرست توسعه سازمان ملل که سالانه در مورد وضعیت درآمد سرانه، میزان سواد، بهداشت و میانگین سنی شهروندان ۱۷۵ کشور تهیه و استخراج می‌شود، ۲۶ کشور آفریقایی بدون استثنا رتبه‌های آخر این جدول را اشغال کرده‌اند.

درآمد سرانه مردم اتیوپی، ملاوی، نیجر، لیبریا، سیرالئون، گینه‌بیسائو و کنگو کمتر ۲۰۰ دلار در سال است. درآمد سرانه در سودان، چاد، مالی، بورکینافاسو، غنا، سنگال، موزامبیک، تانزانیا بین ۲۰۰ تا ۳۵۰ دلار است. درآمد سرانه در زیمباوه، آنگولا، کامرون بنین، موریتانی، ساحل عاج بین ۳۵۱ تا ۶۷۰ دلار است.

تا زمانی که دولت ایالات متحده آمریکا ۱۷۰ میلیارد دلار سوبسید به کشاورزان خود می‌پردازد و سوبسید هر گاو در اتحادیه اروپا ۸۰۰ یورو است، سهم قاره آفریقا در صدور کالا به سراسر جهان یک درصد باقی خواهد ماند و کشاورزان آفریقایی هیچ شانسی در بازار جهانی ندارند.

شرایط موجود در آفریقا متاسفانه حتی جای خوش‌بینی برای آینده نیز نمی‌گذارد. ۵۰ میلیون کودک آفریقایی به مدرسه نمی‌روند!

منابع: ـ اشپیگل
ـ International Affairs
ـ Africa Insight
ـ Africa Report

اتلاف سرمایه

نویسنده: مادلین آلبرایت* مترجم: مهری ملکان

منبع: واشنگتن پست

اکنون، وقت نامناسبی برای نگرانی نیست. ده‌ها هزار تن از افسران ارتش آمریکا، احتمالا سال‌های سال، در عراق به سر خواهند برد؛ در حالی که اطراف آن‌ها عراقی‌های مسلح حضور خواهند داشت. دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، می‌گوید که مساله عراق کی باتلاق نیست. دعا می‌کنیم‌که حق با او باشد. اما مسائل عینی که در مقابل پل برمر، حاکم با استعداد آمریکایی در عراق، قرار گرفته است و گریبانگیر سربازان آمریکایی نیز شده است، وحشت‌آور است. این سربازان سعی دارند بدون شیوه مشخصی جهت مجزاساختن دوستان از دشمنان به حفظ نظم مبادرت کنند.

اگر جامعه بین‌الملل کمک‌های بیشتری به ما می‌کرد، این اقدام آن جامعه بسیار مفید واقع می‌شد؛ اما انصافا جنگ یک عملیات انگلیسی آمریکایی بود. بعید است که ما بدون واگذار کردن اختیاراتی عمده، کمک‌های قابل ملاحظه‌ای دریافت کنیم. واگذاری اختیارات کاری است که دولت آمریکا از انجام دادن آن نفرت دارد. در عین حال، اعتبار آمریکا به سبب قصور ورزیدن در زمینه یافتن سلاح‌های کشتار جمعی و به دلیل گنجاندن اطلاعات مشکوک در متن سخنرانی سالانه رسمی رئیس جمهور آمریکا، دچار تزلزل شده است.

در بین سایر امور، فرض بر این بود که جنگ در عراق از بروز خطرهای ناشی از اقدام‌های تروریست‌های القاعده بکاهد و پیشرفت در مسیر صلح در خاورمیانه را مجددا به حرکت در آورد.

گذشت زمان خواهد گفت که آیا هدف نخست تامین گردیده است یا نه؛ اما گزارش‌هایی در باره یورشی تازه از جانب اعضای جدید القاعده موجب دلگرمی نیست. در مورد هدف دوم، یعنی استقرار صلح در خاورمیانه، باید گفت که محمود عباس، نخست وزیر فلسطین، به راستی در مذاکراف پیشرفتی حاصل کرده است؛ در حالی که یاسر عرفات ریاست تشکیلات خودگردان فلسطین را همچنان در دست دارد. با وجود استقبالی که از نظر لفظی به عمل آمد و به تدریج شور و التهاب آن فروکش کرد و نیز با وجود دیدارهای قریب‌الوقوع رهبران اسرائیلی و فلسطینی از واشنگتن «نقشه راه» خاورمیانه هنوز در مذاکرات مورد بحث قرار نگرفته و جزئیات آن مورد بازبینی واقع نشده است.

در خاور دور، کره‌ای‌های شمالی احیانا در حال تولید سلاح‌های هسته‌ای هستند و یا شاید هم به این کار اشتغال ندارند. البته، ما واقعیت را نمی‌دانیم. تا پایان سال، این امکان وجود دارد که آنان بالغ بر ۶ بمب هسته‌ای داشته باشند. اگر دولت آمریکا راهبردی برای نشان دادن واکنش دارد خود دولت آمریکا در این باره سخنی نگفته است چنین به نظر می‌رسد که آن راهبرد به چین متکی شده است تا کره شمالی را به نحو موثری تحت فشار قرار دهد. اتکای محض به چین؟ همان‌گونه که گفتم، زمانه نگران‌کننده‌ای است.

به طور کلی، چشم‌انداز چیرگی از رواج سیستم‌های تسلیحاتی متزلزل کننده چنان رضایت‌بخش نیست. دولت آمریکا که آشکارا در مقابل پیمان‌ها و کنترل تسلیحاتی

ادامه در صفحه ۱۱